



جایگاه مکاتبات رضوی در حل معضلات کلامی امامیه

مهدی غلامعلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۳/۱۸

چکیده

از امام رضا علیه السلام مکتوبات بسیاری باقی مانده است. این پژوهش در پاسخ به این پرسش سامان یافته است که مکاتبات کلامی امام رضا علیه السلام در میان نگاشته‌های آن حضرت از چه جایگاهی برخوردار بوده و کدام معضلات کلامی بیشتر در این نگاشته‌ها مورد توجه بوده است؟ پس از بررسی موردی و تحلیلی مجموعه مکتوبات امام هشتم، مشخص شد که نزدیک به یک‌چهارم کل مکتوبات ایشان به موضوعات کلامی رایج در آن دوران اختصاص دارد. پژوهش حاضر با بررسی نامه‌های کلامی رضوی، به این نتیجه دست یافته که مهم‌ترین معضلات اعتقادی امامیه در نیمه دوم سده دوم هجری در دو کلان‌موضوع «توحید» و «امامت» بوده است. تشبیه، تجسیم و رؤیت خدا مهم‌ترین شبهات توحیدی، و صفات و علامات امام معصوم و شبهات واقفه نیز مهم‌ترین معضلات شیعه در مسئله امامت بوده است. از سوی دیگر، امام هشتم علیه السلام در نامه‌های ارسالی به عالمان شیعه با چهار شیوه ارشاد، اعجاز، نکوهش و بحث به مضاف حل معضلات امامیه رفته‌اند.

واژگان کلیدی

امام رضا علیه السلام، مکتوبات، احادیث کلامی، شبهات کلامی، معضلات اعتقادی شیعه.

درآمد

تدوین آثار مکتوب در قرن دوم هجری در میان جامعه علمی متداول بوده است. ظهور جوامع اولیه حدیثی شیعه که به همت مصنفان بزرگ امامیه چون یونس بن عبدالرحمان، محمد بن ابی‌عمیر، صفوان بن یحیی، حسین بن سعید، علی بن مهزیار و... شکل گرفته بود، ره‌آورد همین نهضت نگارشی است.

امام رضا علیه السلام نیز از این ظرفیت استفاده شایانی کرده‌اند. امروزه بخشی از نامه‌ها و دست‌نوشته‌های منسوب به ایشان در موضوعات گوناگون و سبک‌های مختلف نگارشی در اختیار ماست. آن حضرت با تأسی به روش اجداد بزرگوارشان و با عنایت به فضای موجود در مراکز علمی سده دوم، از این شیوه جهت نشر حدیث بسیار استفاده می‌کردند.

پژوهش حاضر در چهار بخش سامان یافته است. بخش نخست به وضعیت مکتوبات در عصر رضوی پرداخته و در بخش دوم معضلات کلامی آن دوران شمارش شده است و در بخش بعد به تلاش‌های رضوی در حل این معضلات از راه مکتوبات اشاره خواهد شد. بخش پایانی نیز نموداری از نامه‌های کلامی امام را ترسیم کرده است.

۱. وضعیت مکاتبات رضوی

اطلاع دقیقی از تعداد نگارش‌های امام رضا علیه السلام در آن زمان موجود نیست، اما شمار نگاشته‌هایی که تا به امروز باقی مانده حدود ۱۸۸ نوشته است که بیشتر آن‌ها (۱۱۱ نوشته) در موضوع فقه است. برخی از مهم‌ترین مکتوبات منسوب به ایشان عبارتند از: کتاب فقه (حرانی، ۱۳۷۶ق: ۴۰۶)، کتاب علل (نک: احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ۵: ۹۵-۱۰۹)، متن دعای سجده (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۳۰۷)، نگارش ادعیه متعدد (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۳۰۳؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۷۶) و رساله الذهبیه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۲: ۳۰۶-۳۲۷).

آیت‌الله احمدی میانجی که مجموعه نگاشته‌های ائمه علیهم السلام را در مکاتیب‌الائمه گرد آورده است، نگاشته‌های آن حضرت را این‌گونه دسته‌بندی کرده است: توحید: ۸؛ امامت و معجزات: ۳۰؛ فقه: ۱۱۱؛ طب: ۱؛ دعا: ۱۳؛ مواعظ: ۱۰؛ نامه به واقفه: ۷؛ سیاسی: ۴؛ مسائل گوناگون: ۴. نگاشته‌های امام بیشتر در قالب نامه‌هایی بوده که در پاسخ به سؤالات شیعیان ارسال می‌شده است. تعداد اندکی از نامه‌ها نیز به صورت ابتدایی از ناحیه امام فرستاده شده است. در کنار این نامه‌ها چند اثر به صورت کتابچه‌های کوچک نگاشته شده که مهم‌ترین آن‌ها «رساله الذهبیه» در طب است.

از نکات جالب در روایات رضوی، املاهای گوناگونی است که آن حضرت برای شاگردان و یا پرسش‌کنندگان داشته‌اند. برای نمونه، بزنتی وقتی در بحث جبر و استطاعت و اختلاف شیعیان سخن به میان می‌آورد و منتظر قول صحیح است، امام پاسخ را به وی دیکته کرده و می‌فرماید: «اكتب...» بنویس... (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۱: ۱۴۴، ح ۴۹). أمالی‌های متعدد امام رضا علیه السلام در منابع روایی گزارش شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۰۵، ح ۳؛ ابن بابویه، التوحید: ۱۳۹۸ق، ۹۸، ح ۵؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۱۳۵، ح ۴).

توجه به پنج نکته در عالم مکتوبات از سوی معصومان علیهم السلام و به‌ویژه نامه‌های رضوی قابل توجه است:

نکته اول: پیدا شدن برخی نامه‌ها در منابع غیرمشهور و یا دریافته‌های میراث‌بانان بعید نیست، چه این که اخیراً دست‌نوشته‌ای از امام رضا علیه السلام به عامر بن زروامهر، مرزبان طَبَسین، یافت شده است^۱ که در کتاب‌ها و منابع روایی نیست. یا نامه‌ای که در یکی از تراث غیرروایی (کتاب سر سلسله العلویه) آمده است (بخاری، ۱۳۸۱ق: ۱۳).

نکته دوم: ساحت نامه، امکان برملا شدن را داراست؛ از این رو، نگارش هر نکته‌ای - که ضرر و خطر را برای شیعه در بر داشت - چندان مرسوم نبوده است. به همین دلیل است که در نامه‌های رضوی، گاه از امام با عنوان تقیه‌ای نظیر: ابوالحسن خراسانی (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱: ۳۳۰، ح ۱۴۵)، الطیب (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۸۶، ح ۲)، الرجل (ابن بابویه، التوحید: ۲۸۴، ح ۴) و... یاد شده است. هم‌چنین شاید کوتاهی غالب نامه‌ها نیز بیان‌گر نوعی احتیاط بوده است.

نکته سوم: اگرچه امکان داشت نامه‌ها به دست حکومت افتاده و سبب آزار و اذیت شیعیان شود، ولی باید توجه داشت در دوره ائمه متأخر ارتباط با معصومان بسیار دشوار می‌نمود. بنابراین روش مکتوب از بهترین شیوه‌های ارتباطی شیعه و امام به شمار می‌رفت. بزنتی که برای رفع شک در برخی مسائل بنیادی اعتقادی می‌خواهد به مدینه سفر کند، امام در نامه‌ای وی را برحذر داشته و می‌نویسد: «... فان الدخول الی صعب و هولاء قد ضيقوا علی فی ذلک...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۲۱۲، ح ۱۸). این عبارت به خوبی دشواری ارتباط حضوری و ضرورت مکاتبات تقیه‌ای را آشکار می‌سازد.

نکته چهارم: خوش‌بختانه در برخی گزارش‌ها به نکات ریزی همچون چگونگی خط امام نیز

۱. این نامه در مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی نگه‌داری می‌شود. آیت‌الله احمدی میانجی در پایان «مکاتیب امام رضا علیه السلام» آورده است (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ۵: ۳۰۱).

اشاره شده است. در گزارشی آمده است: خط امام به صورت شکسته (ردی)^۱ بوده است (کشی، ۱۳۴۸: ۵۸۳، ح ۱۰۹۳). هم‌چنین برخی بزرگان شیعه همیشه خط امام را می‌شناختند. در برخی گزارش‌ها راوی می‌گوید: «فکتب الی بخت الذی اعرفه» (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۵، ح ۴۲). نکته پنجم: فرهنگ قرائت و استنساخ نامه امام در میان شیعه مرسوم بوده است. این فرهنگ در عصر رضوی نمود بیشتری دارد. خود امام نیز گاه به قرائت نامه خویش برای مخاطب مبادرت می‌ورزید. عبدالرحمان بن ابی‌نجران می‌گوید: امام رضا علیه السلام حدیثی را از امام سجاد علیه السلام برای من نگاشت و سپس همان را قرائت کرد: «کَتَبَ أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَا رِسَالَةً وَأَقْرَأَ بِهَا...» (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۱۹).

شیعیان نیز آموخته بودند که نگاشته‌های امام را برای یکدیگر نقل کنند (نک: عطاردی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۱۶۵، ح ۴۴؛ ۱۹۳، ح ۲۶؛ ۲۶۵، ح ۳۸). حسین بن سعید از جمله کسانی است که نامه‌های ارسالی امام علیه السلام را به محمد بن ابراهیم، دریافت می‌کرد و آن را برای شاگردانش باز می‌گفت (طوسی، ۱۳۶۵، ۲: ۳۶۴). حتی استنساخ خط و استفتائات امام نیز مرسوم بوده است. در روایتی احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنتی می‌گوید: «نَسَخْتُ مِنْ كِتَابِ بَخْتِ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام» (کلینی، ۱۳۶۳، ۷: ۲۹، ح ۱).

در پایان این بخش، باید یادآور شد که مکتوبات به تنهایی نمی‌توانند ترسیم‌کننده تلاش‌های رضوی در حل معضلات کلامی شیعیان بوده باشند، بلکه آن حضرت از نگارش به عنوان یکی از شیوه‌های انتقال مفاهیم بهره‌ وافی برده‌اند.

۲. معضلات کلامی امامیه

هر امر پیچیده و دشواری را «مُعْضَل» گویند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱: ۴۵۱). روایات رضوی و بسامد پرسش‌های شیعیان، نمود معضلات موجود در اعتقادات امامیه سده دوم است. در بازخوانی کتاب مسند الامام الرضا علیه السلام - که دربردارنده مجموعه احادیث رضوی است - روشن می‌شود که بیشتر روایات اعتقادی امام هشتم در سه موضوع اصلی توحید، نبوت و امامت جلوه دارد. در میان مکتوبات آن حضرت، پرسش و پاسخی در موضوع نبوت دیده نمی‌شود. بنابراین مکتوبات امام در مسائل اعتقادی در دو محور «توحید» و «امامت» خلاصه می‌شود.

۲-۱. شبهات توحیدی

روایات بسیار و حتی نگاشته‌های انگشت‌شماری در معنای توحید الهی از امام رضا علیه السلام در

۱. نوعی خط که در آن زمان مرسوم بوده است.

اختیار است، اما گویی غالب معضلات کلامی موجود در جامعه که به اندیشه امامیه نیز ورود پیدا کرده بود، بحث‌هایی در رؤیت و تشبیه خدا بوده است. بعید نیست که بخشی از شبهات توحیدی، وارداتی بوده که از ادیان یا مذاهب دیگر به شیعه راه یافته بود. چه بسا نهضت ترجمه و حتی بیت الحکمه در این دوران، در ورود این‌گونه شبهات بی‌تأثیر نبوده است. دو دسته از شبهات توحیدی را که از بسامد بیشتری در دهه‌های پایانی سده دوم برخوردار هستند، یاد می‌کنیم:

۱-۲. نفی رؤیت

در میان مردم آن زمان شایع شده بود که پیامبر خدا ﷺ پروردگارش را دیده است. شیوع این‌گونه مطالب واهی در جامعه سبب شده بود تا برخی از مردم با پرسش‌های شفاهی (نک: سؤال ابراهیم بن محمد خزاز و محمد بن حسین از امام هشتم در: کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۰۰، ح ۳) و کتبی خویش از امام رضا ﷺ به عنوان عالم آل محمد رفع شبهه کنند.

این‌گونه گزارش‌ها نشان از فضای شبهه‌پراکنی آن روزگار دارد. محمد بن عبید نیز در نامه‌ای به امام می‌نویسد که مسئله رؤیت خدا را با توجه به روایات عامه و خاصه برایم تبیین کنید. امام رضا ﷺ نیز در متنی نسبتاً کوتاه - حدوداً شش سطر - رابطه معرفت، رؤیت و ایمان را به نیکی بیان و با عباراتی مختصر عدم امکان رؤیت خدا را اثبات می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۹۶، ح ۳؛ ابن بابویه، التوحید: ۱۰۹، ح ۱۴). این روایت از احادیث مشکل در متون روایی است که شارحانی چون ملاصدرا (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ۳: ۱۴۴)، ملاصالح مازندرانی (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ۳: ۲۲۴) و علامه مجلسی (مجلسی، ۱۳۶۳، ۱: ۳۳۱) به تفصیل به شرح آن پرداخته‌اند.

محمد بن عبید می‌گوید: در نامه‌ای از امام رضا ﷺ خواستم - با توجه به روایات اهل سنت و شیعه - مسئله رؤیت و دیدن خدا را برایم شرح کند، امام به خط خودش این‌گونه پاسخ داد: «أَتَفَقَّ الْجَمِيعُ لَا تَمَانَعُ بَيْنَهُمْ، أَنَّ الْمَعْرِفَةَ مِنْ جِهَةِ الرُّؤْيَةِ ضَرُورَةٌ، فَإِذَا جَازَ أَنْ يُرَى اللَّهُ بِالْعَيْنِ، وَقَعَتِ الْمَعْرِفَةُ ضَرُورَةٌ...» « همه اتفاق دارند و اختلافی در میان نیست که شناخت از راه دیدن ضروری و قطعی است؛ پس اگر درست باشد که خداوند با چشم دیده می‌شود، قطعاً شناخت او نیز حاصل می‌شود. آن‌گاه این شناخت تنها دو حالت دارد؛ یا عین ایمان است و یا ایمان نیست. اگر این شناخت از راه دیدن، [تنها راه رسیدن به] ایمان باشد، پس شناختی که در دنیا از راه کسب دلیل [و برهان عقلی] است، را نمی‌توان ایمان دانست، زیرا این شناخت ضد آن شناخت دیدنی است.

بنابراین دیگر در دنیا نباید مؤمنی وجود داشته باشد، زیرا این مومنان خداوند بلند مرتبه را به چشم خویش در دنیا ندیده‌اند.

و حال اگر شناختی که از راه دیدن است را نتوانیم «ایمان» بدانیم، پس این شناختی که از راه کسب دلیل [او برهان عقلی] حاصل می‌شود، باید در معاد نابود شود. در حالیکه ابر اساس روایات و ادله می‌دانیم که معرفتی که از برهان و دلیل حاصل می‌شود در معاد نابود نخواهد شد. این دلیلی آشکار است بر این که خداوند بلند مرتبه به چشم دیده نمی‌شود، زیرا دیدن با چشم با همان چالش و مشکلاتی که گفتیم روبرو می‌شود».

علامه مجلسی در تبیین این روایت نسبتاً دشوار، ضمن بیان سه نظر از نظریات شارحان، بهترین نظر را که مطابق با آموزه‌های آسمانی است این‌گونه تبیین کرده است: «شناسایی خدا از راه اکتساب دلیل و راهنمایی قرآن و حدیث به این نتیجه می‌رسد که خدا جسم نیست و مانند ندارد، پس دیدنش به چشم محال است. و اگر فرض شود کسی او را به چشم ببیند، قطعاً او را شناخته است، ولی این شناسایی مخالف و ضد شناسایی از راه دلیل است. پس اگر دیدن به چشم، ایمان باشد، شناسایی از راه دلیل ایمان نیست، در صورتی که قرآن ایشان را مؤمن خوانده و اگر ایمان نباشد، ایمان اکتسابی در قیامت یا از بین می‌رود و یا از بین نمی‌رود و هر دو باطل است، زیرا اگر از بین برود، مخالف اجماع است که ایمان ثابت از دلیل که در دنیا حاصل شده، در آخرت محال است از بین برود و اگر از بین نرود، با ایمان از راه دیدن به چشم، اجتماع نقیضین شود» (مجلسی، ۱۳۶۳، ۱: ۳۳۱).

۲-۱-۲. نفی تشبیه

در سده دوم هجری یکی از نسبت‌های ناروا به شیعه که در میان برخی از جامعه اسلامی شیوع داشت، اعتقاد به تشبیه بود. امام رضا علیه السلام در گفتارهای متعدد همه رنگ‌های شبه و صور را از خدای متعال نفی می‌کردند. در گزارشی آمده که آن حضرت با فتح بن یزید جرجانی از مکه بازمی‌گشتند. فتح که عازم خراسان بود، در راه بازگشت گفت‌وگویی را با امام در این زمینه سامان می‌دهد که خوش‌بختانه گزارش آن موجود است (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۳۷، ح ۳). در میان نامه‌های امام نیز نامه‌ای به فتح در همین زمینه دیده می‌شود (ابن بابویه، التوحید: ۵۶، ح ۱۴). این نامه را بعدها فتح برای شاگردش جعفر بن محمد اشعری قرائت می‌کند. جعفر می‌گوید که من نامه را از استادم فتح گرفتم و قرائت کردم. نامه به خط ابوالحسن الرضا علیه السلام بود. این نامه - که مفصل‌ترین نامه در میان نگاهشده‌های توحیدی حضرت است - در نفی تشبیه است. در بخشی از این نامه، آن حضرت از خدا این‌گونه نفی تشبیه می‌کند: «الخالقُ لا بِمعنی حَرَکة، السَّمیعُ لا بِأداة، البَصیرُ لا بِتَفْرِیقِ آلِه، الشَّاهدُ لا بِمُماسَّة، البائِنُ لا بِبِرَاحِ مَسافَةٍ... أَوَّلُ الدَّیَّانَةِ مَعْرِفَتُهُ، وَ کَمالُ المَعْرِفَةِ تَوحیدُهُ، وَ کَمالُ التَّوْحیدِ نَفیُ الصِّفَاتِ عَنَّهُ»؛ آفریننده است نه به معنی حرکت،

شنواست نه با واسطه‌ای چون گوش، بیناست اما نه به وسیله واسطه‌ای چون چشم، در همه جا حاضر است نه به طوری که مانند مردم مس و لمس کند، از هر چیزی جداست، اما نه این که نیازمند مسافت و فاصله باشد... اول دین‌داری و انقیاد و فرمان‌برداری خدا معرفت اوست و کمال معرفتش توحید و اقرار بیگانگی اوست و کمال توحیدش نفی و دوری صفات زایده بر اصل ذات است (ابن بابویه، التوحید: ۵۶، ح ۱۴).

هم‌چنین امام رضا علیه السلام در پاسخ به هشام مشرقی، ضمن آن که اعتقادات مردم آن روزگار را در مسئله توحید، در سه گروه دسته‌بندی می‌کنند، یک گروه را مذهب اهل تشبیه دانسته و در نامه به هشام تصریح می‌کنند: «و مَذْهَبُ التَّشْبِيهِ لَا يَجُوزُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ۱: ۳۵۶، ح ۱۱). طاهر بن حاتم بن ماهویه قزوینی - پیش از آن که در شمار غالیان درآید - با امام رضا علیه السلام نامه‌نگاری داشت. او از کمترین حد معرفت خدا از امام پرسش کرده بود. امام در ضمن پاسخ کوتاهش به حدیث جدش امام باقر علیه السلام به سؤالی در همین رابطه اشاره کرده و نگاشتند: «کمترین مقداری که در خداشناسی نباید به کمتر از آن اکتفا شود، این است که چیزی مانند و شبیه او نیست، همیشه دانا، شنوا و بیناست» (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۸۶، ح ۲).

۳-۱-۲. نفی جبر

احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی، از شاگردان اهل‌بیت علیهم السلام و دانشمندان آن دوران، در نامه‌ای به امام رضا علیه السلام می‌نویسد که برخی از شیعیان قائل به جبر و برخی قائل به استطاعت شده‌اند (ابن بابویه، التوحید: ۳۳۸، ح ۶). از دیگر متون نیز برمی‌آید که اختلاف جدی در میان بعضی از عالمان شیعی در موضوع جبر وجود داشته است. امام علیه السلام در پاسخ به نامه حمدان بن سلیمان، از شیعیان سرشناس نیشابور، مرز بین علم خدا و جبر را تبیین می‌کنند (ابن بابویه، التوحید: ۴۱۶، ح ۱۶). به نظر می‌رسد که خاستگاه برداشت غلط و اتهام جبر، غالیانی بودند که با وضع حدیث، تأویل روایات و حتی آیات قرآن بر مسئله جبر پای می‌فشرده‌اند. اقدامات ناشایست ایشان سبب شده بود که جامعه علمی عامه گمان کند که مجموعه شیعه قائل به جبر و تشبیه هستند. حسین بن خالد که گمان می‌کرد منشأ این باورهای غلط، روایات اهل‌بیت علیهم السلام است، با امام رضا علیه السلام احتجاج می‌کند. امام به زیبایی درباره شمار روایات نبوی و ولوی و تقابل این دو دسته روایت با او به بحث می‌نشیند و قائلان به تشبیه و جبر را کافر و مشرک خوانده و سپس می‌فرماید: «يَا ابْنَ خَالِدٍ إِنَّمَا وَضَعَ الْأَخْبَارَ عَنَّا فِي التَّشْبِيهِ وَالْجَبْرِ الْعُلَاءُ الَّذِينَ صَغُرُوا عَظْمَةَ اللَّهِ...»؛ ای پسر خالد! تنها غالیان - که بزرگی خدا را کوچک شمرده‌اند - اخباری را از ناحیه ما در موضوع تشبیه و جبر ساخته‌اند و به دروغ از ما روایت کرده‌اند... (ابن بابویه، التوحید: ۱۶۴).

امام به بزنطی حدیثی قدسی را املا می‌فرماید تا به گوش ایشان برسد. طلیعه این نگاشته رضوی چنین است: «خداوند می‌فرماید: ای فرزند آدم! این تو هستی که به مشیت و خواسته من می‌توانی اراده کنی و به نیرو و قدرت من واجبات را انجام می‌دهی و با نعمت من بر معصیت و نافرمانی توانا شده‌ای. تو را شنوا و بینا و قدرتمند کرده‌ام...» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸ق: ۳۳۸، ج ۶).

۲-۲. شبهات در مسئله امامت

در میان نامه‌های رضوی که در موضوعات کلامی جا گرفته است، بیشترین نگاشته‌ها در موضوع «امامت» است. کثرت و نسبت این نگاشته‌ها به نگاشته‌های توحیدی نشان‌گر آن است که مسئله امامت در رأس پرسش‌ها و معضلات اعتقادی جا داشته است. شبهات کثیر عامه و حتی حاکمیت عباسی سبب شده بود تا پرسش‌ها در این زمینه فزونی یابد. در کنار این شبهات، ظهور پررنگ فرقه «واقفه» و ایجاد شبهات درون‌مذهبی سبب انحراف و دوگانگی در حرکت منسجم و یک‌پارچه تشیع گردید. از این رو، بخشی از سخنان رضوی به تنویر افکار عمومی شیعه در این زمینه اختصاص یافته است.

مکتوبات کلامی در موضوع امامت در سه بخش قابل پی‌گیری است:

۲-۲-۱. صفات امام

به نظر می‌رسد امام رضا علیه السلام نخستین امامی است که در جلسات متعدد و عمومی، مسئله امامت را برای عموم مردم بدون تقيه تبیین فرمود؛ از این رو، عالمان عامه و حاکمان عباسی به ایراد شبهات پرداختند. در کنار این شبهات، پرسش‌های گوناگونی در میان عموم شیعه نیز ظهور پیدا کرد. عبدالله بن جنذب، راوی مشهور شیعی در سده دوم که دوران کهولت خود را طی می‌کرد، در نامه‌ای به امام هشتم می‌نویسد: «جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ كَبِرْتُ وَ ضَعُفْتُ وَ عَجَزْتُ عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا كُنْتُ أَقْوَى عَلَيْهِ فَأُحِبُّ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْ تُعَلِّمَنِي كَلِمًا يُقَرِّبُنِي مِنْ رَبِّي [بربی] وَ يَزِيدُنِي فَهْمًا وَ عِلْمًا...» و امام در پاسخ به وی، جایگاه ائمه را برنموده و می‌نویسد که ائمه، وارثان علم رسول خدا و جمیع انبیا و اوصیا هستند (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۳، ج ۳۸۴).

در میان نامه‌های امام علیه السلام فرق بین رسول، نبی و امام (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۷۶، ج ۲) که پرسش متداول در آن روز بوده، به صورت مختصر و گویا دیده می‌شود؛ برخی نیز به دنبال سؤالاتی همچون وجود سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله نزد امام (صفا قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۵، ج ۴۲)، انحصار غسل امام توسط امام بعدی (حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۳) و گاه تقاضای تفسیر و یا تأویل آیات قرآن که

معصومان را در بر می‌گیرد (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱: ۲۴۰ ح ۱۲۰؛ ۲۶۰، ۲۰۶ ح؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲: ۲۶۱، ۳۳ و ۱۱۷، ح ۱۶۰؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۳، ح ۳۸۴).

نامه‌ای با لحنی تند از حسین بن قیاما - واقفی منکر امامت امام رضا علیه السلام - نیز در میان نامه‌ها دیده می‌شود که در نیم خط به امام می‌نویسد: «چگونه شما امام هستی در حالی که پسری نداری؟» و امام در یک جمله هم پاسخ وی را می‌دهد و هم از غیب خبر می‌دهد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۲۰۹، ح ۱۳).

نگاشته‌ای محبت‌آمیز در میان نامه‌هایی با موضوع «محبت آل محمد» دیده می‌شود که زیباست. شتربان خوش سلیقه اصفهانی که از اهل سنت است، در پایان سفر از امام علیه السلام تقاضای دست‌نوشته می‌کند و می‌گوید: «شرفنی من خطک أتبرک به.» و امام کوتاه می‌نویسد: «کن محباً لآل محمد و ان كنت فاسقا و محباً لمحبيهم و ان كانوا فاسقين» (راوندی، ۱۴۰۷ق: ۲۸، ح ۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۹: ۲۵۳).

گفتنی است، یکی از سؤالات پرسامد شیعه از امام هشتم علیه السلام پرسش از وجود سلاح و لوازم پیامبر صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت است، چه این که ائمه پیشین و حتی خود امام هشتم در علامات و صفات امام به این نکته تکیه کرده‌اند که سلاح نبوی در شیعه مانند تابوت عهد در بنی اسرائیل است (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۲۷۴، ح ۱) و تصریح شده که «تَكُونُ الْإِمَامَةُ مَعَ السَّلَاحِ حَيْثُمَا كَانَ» (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۲۷۴، ح ۱). بنابراین، راویان متعددی همچون احمد بن عمر حلال (حلی، ۱۴۲۱ق: ۸)، احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۲۷۴، ح ۱)، سلیمان بن جعفر (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۵، ح ۴۲)، محمد بن فضیل صیرفی (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۲۵۲، ح ۵؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۶۶۳، ح ۶)، ابوالحسن بن بشیر (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۲۵۲، ح ۵)، حسین بن بشار (راوندی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۶۶۳، ح ۶) و شیعه‌ای گمنام (اربلی، ۱۴۰۵ق، ۳: ۸۹) در نامه‌نگاری‌ها از وجود سلاح در نزد امام آگاه شده‌اند. این گستردگی پرسش، نشان از وجود تردید در امامت و هم‌چنین مهم بودن این علامت در شناسایی امام دارد.

۲-۲-۲. استفاده از علم غیب

پاره‌ای از روایات امام رضا علیه السلام و هم‌چنین بخشی از مکتوبات آن حضرت، بیان اخبار غیبی برای شیعیان است. میزان استفاده از علم غیب در روایات رضوی به نسبت روایات دیگر معصومان بسیار بیشتر است. غالب این روایات و یا نامه‌های حاوی خبر غیبی، به گونه‌ای در راستای رفع تردیدها درباره شبهات واقفه رخ داده است.

در این نامه‌ها گاه امام، نام فرستنده و برخی از اسرار وی را به درخواست فرستنده - که

واقفی بود - بیان می‌داشتند (کشی، ۱۳۴۸: ۵۸۳، ح ۱۰۹۳) و گاه برخی ابهامات علمی و اختصاصی فرستنده نامه را رفع می‌کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۲۱۲، ح ۱۸).

این نامه‌ها سبب تغییر اندیشه وقف در برخی همچون حسن بن علی و شاء (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۷۱، ح ۷۶) و زدودن شک و تردید بزرگانی مانند احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنتی شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۲۱۲، ح ۱۸؛ حمیری قمی، ۱۴۱۳ق: ۳۹۳، ح ۱۳۷۵؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۶۶۲، ح ۵).

۳-۲-۲. واقفه

پنج نامه از مجموعه نامه‌های امام رضا علیه السلام درباره واقفه است. اگر شمار نامه‌های حاوی اخبار غیبی امام علیه السلام - که معمولاً مرتبط با وقف است - را به این آمار بیفزاییم، حدود شانزده نامه از مجموعه نگاشته‌های آن حضرت مربوط به واقفه می‌شود. هم‌چنین در مجموعه روایات امام علیه السلام - اعم از کتبی و شفاهی - نیز روایات در موضوع واقفه حضور بسیار پررنگی دارد. این همه نشان‌گر آن است که مهم‌ترین معضل درون‌مذهبی امام در طول بیست سال امامت، انحراف مذهبی و پر قوت وقف است.

امام رضا علیه السلام در پاسخ به نامه علی بن عبدالله زبیری که نظر امام را درباره واقفه جویا شده بود، این‌گونه نوشتند: «واقفی از حق بازمانده و بر گناه استوار مانده است. اگر در این حالت بمیرد، جهنم جایگاه اوست و چه بد سرنوشتی است!» (کشی، ۱۳۴۸: ۷۵۵، ح ۸۶۰).

۳. روش‌های حل معضلات کلامی در نگاشته‌های امام

چنانچه پیش‌تر گفته شد، مکتوبات کلامی امام علیه السلام به تنهایی نمی‌تواند معیار خوب و کاملی برای سنجش مجموعه عملکرد کلامی امام در حل معضلات باشد، اما به عنوان یکی از شیوه‌های مهم و تأثیرگذار، شایسته تأمل بیشتری است. با نگاهی به مکتوبات کلامی امام می‌توان دریافت که آن حضرت در عرصه‌های مختلف کلامی از چه روش‌های بنیادی در حل معضلات کلامی استفاده می‌کردند. روش‌های اصلی امام در ذیل به اختصار خواهد آمد:

۳-۱. ارشاد

بخشی از نامه‌های کلامی امام رضا علیه السلام در جهت تبیین و تنویر اندیشه‌های جامعه شیعی صادر شده است. این‌گونه سخنان را می‌توان ارشادات رضوی دانست. این ارشادات معمولاً به دنبال شیوع برخی شبهات مخالفان و منحرفان از ناحیه امام بیان شده است.

به دنبال شبهه جبر و اختیار، این مسئله به صورت مکتوب از امام پرسیده می‌شود که: «افعال عباد مخلوق است یا غیرمخلوق؟» و امام در پاسخ می‌نویسند: «کارها و افعال بندگان خدا نزد دانش حضرت حق، دوهزار سال پیش از آفرینش بندگان مقدر بوده است» (ابن بابویه، ۱۳۸۹ق: ۴۱۶، ح ۱۶).

هم‌چنین نامه‌هایی که نافی تشبیه، تجسیم و رؤیت است نیز جهت ارشاد جامعه شیعی ارسال شده است. نامه به فتح بن یزید جرجانی یکی از نامه‌های ارشادی امام است. در پایان این نامه می‌خوانیم: «... أَوْلُ الدِّيَانَةِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ الْمَعْرِفَةِ تَوْحِيدُهُ...» اول دین‌داری، انقیاد و فرمان‌برداری خدا معرفت اوست و کمال معرفتش توحید و اقرار به یگانگی اوست و کمال توحیدش نفی و دوری صفات زایده بر اصل ذات از اوست؛ به جهت آن که هر صفتی گواهی می‌دهد که غیر موصوف است و موصوف که آن را به صفتی وصف نمودی، شهادت می‌دهد که غیر صفت است و هر دو بر خود شهادت می‌دهند به دوئیت و دوتا بودن که ازلیت به جهت آن ممتنع و محال است، چه هر گاه تعدد و کثرت در او باشد، اجزا بر او سبقت دارند و این مستلزم نفی قدم و اثبات حدوث او خواهد بود. پس هر که خدا را وصف کند بما به الاشتراک و ما به الامتیاز، حد و اندازه را برای او قرار داده است... و معبودیت داشت در زمانی که هیچ عبادت‌کننده‌ای نبود که عبادت کند و پروردگار ما را چنین وصف باید نمود و آن جناب بالاتر است از آنچه وصف‌کنندگان او را وصف می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۸۹ق: ۵۶، ح ۱۴).

ایشان بدین سان و با زبانی ساده، نفی صفات بشری از خدا را برای مخاطب تبیین کردند. در موضوع امامت نیز، شاهد نامه‌هایی ارشادی هستیم. پس از شهادت امام کاظم علیه السلام تردیدهایی را که واقعه در موضوع وفات امام هفتم و شخصیت امام رضا علیه السلام در جامعه ایجاد کردند، سبب شد شیعه به دنبال علامات امام باشد. امام رضا علیه السلام در پاسخ احمد بن عمر حلال که پرسیده بود: «نشانه‌های امام چیست؟» این‌گونه نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. خداوند نیکوترین عافیتش را نصیب ما و تو بگرداند! از علامت امام پرسیده‌ای - هنگامی که امام وفات می‌کند، امام بعدی چگونه شناخته می‌شود؟ - امام علاماتی دارد که بعضی از آن‌ها عبارتند از: بزرگ‌ترین فرزند پدرش باشد، در حالی که فضیلت نیز در او جمع شده است؛ اوصی پدرش باشد، چنانچه کاروانی به مدینه آیند و بپرسند که وصی امام کیست، مردم او را معرفی کنند؛ و سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله در نزد ما مانند تابوت در بنی‌اسرائیل است و شما نیز با هر که سلاح در اختیار او بود، همراه باشید» (حلی، ۱۴۲۱ق: ۶۴، ح ۳۳).^۱

۱. در کتاب الکافی نیز این روایت آمده، ولی مکتوب بودن آن گزارش نشده است (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۲۸۴، ح ۳۵).

مسئله «سلاح پیامبر» گویی مسئله‌ای جدی در میان شیعه - و به‌ویژه کسانی که تردید داشته‌اند - بوده است. روایات متعدد و نامه‌های گوناگونی در دست است که همین مسئله را از امام علیه السلام جویا شده‌اند. گذشته از نامه پیشین، سلیمان بن جعفر نیز نقل می‌کند که من به امام علیه السلام نوشتم: «آیا سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله در اختیار شماست؟» و امام به خطی که من می‌شناسم و می‌دانم که خط خود ایشان است، نوشته‌اند: «هو عندی»، بله، سلاح نزد من است (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۵، ۴۲). در نامه‌های دیگری نیز پرسش از سلاح مطرح بوده است (اربلی، ۱۴۰۵ق، ۳: ۸۹).^۱

یکی از نامه‌های ارشادی امام، نامه به «حسن بن عباس معروفی» است. امام رضا علیه السلام در این نامه، به تبیین سه مفهوم کلامی مورد اختلاف پرداخته است. حسن بن عباس در نامه‌ای فرق بین رسول، نبی و امام را از آن حضرت سؤال می‌کند و امام علیه السلام در متنی مختصر این‌گونه می‌نویسد: «فرق بین رسول، نبی و امام چنین است: رسول کسی است که جبرئیل بر او فرود می‌آید و او جبرئیل را می‌بیند و سخنانش را می‌شنود، وحی بر او نازل می‌شود و چه بسا او را در خواب مشاهده می‌کند، مانند رؤیای حضرت ابراهیم علیه السلام و نبی هم به کسی گفته می‌شود که گاه سخنانی را می‌شنود و چه بسا شخص را می‌بیند، ولی چیزی از وحی نمی‌شنود. اما امام کسی است که کلام جبرئیل را می‌شنود، ولی کسی را نمی‌بیند» (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۷۶، ح ۲). با بررسی مکتوبات رضوی می‌توان گفت که بیشتر نگاشته‌های کلامی امام رضا علیه السلام در جهت تبیین و ارشاد شیعیان صورت گرفته است.

۲-۳. نکوهش

اگرچه در مجموعه روایات رضوی نکوهش و انذارهای متعددی را درباره واقعه شاهد هستیم، در نگاشته‌های آن حضرت تنها بخش اندکی به نکوهش این فرقه منحرف اختصاص یافته است. امام هشتم بدین‌سان در صدد تبیین مواضع و ماهیت واقعه و تحذیر شیعه امامیه از چالش انحراف بودند. امام رضا علیه السلام ایشان را به زنادقه (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۶، ح ۸۶۱)، مشرکان (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۶، ح ۸۶۲)، کافران (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۷، ح ۸۶۴)، مذبذبین (کشی، ۱۳۴۸: ۴۶۲، ح ۸۸۰)، حمیر الشیعه (کشی، ۱۳۴۸: ۴۶۰، ح ۸۷۲) و ناصبیان (کشی، ۱۳۴۸: ۴۶۰، ح ۸۷۳) تشبیه کرده و از شیعیان خواسته‌اند که نه تنها به فقرای ایشان زکات نپردازند (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۶، ح ۸۶۲)، بلکه از مجالست با ایشان نیز پرهیز کنند (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۷، ح ۸۶۴)، چه این‌که آنان بر امام کاظم علیه السلام دروغ بستند (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۸، ح ۸۶۸) و به آنچه خداوند نازل

۱. راوی، مسائل گوناگونی داشته که از امام علیه السلام بپرسد و سؤالات را می‌نویسد، ولی مسئله سلاح را فراموش می‌کند. نامه امام علیه السلام که به دستش می‌رسد، می‌بیند که آن حضرت مسئله سلاح را هم متذکر شده‌اند.

کرده، کفر و قدرناشناسی کردند (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۶، ۴۵۷ و ۴۵۸، ح ۸۶۲ و...). حرکت و جریان واقفه، فتنه‌ای در شیعه بود (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۸، ح ۸۶۶) که به تعبیر معصومان علیهم‌السلام، شرّ الناس (بدترین مردمان) از این جریان پیروی کردند (کشی، ۱۳۴۸: ۴۵۸ و ۴۵۹، ح ۸۶۶ و ۸۶۹)؛ بنابراین، سزاوار لعن امامان علیهم‌السلام و مؤمنان هستند (کشی: ۱۳۴۸، ۴۵۷، ح ۸۶۵).

امام علیه‌السلام در نامه به عبدالله بن جنبد در نکوهش واقفه می‌نویسند: «أن هؤلاء القوم سنح لهم شیطانٌ اغترهم بالشبهة و لبس عليهم أمر دينهم، و ذلك لما ظهرت فریتهم - و اتفقت كلمتهم و كذبوا [نقموا] علی عالمهم...» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱: ۲۶۰، ح ۲۰۶).

امام رضا علیه‌السلام در نامه به «حمزه زیات»، روایت جدّشان امام باقر علیه‌السلام را شرح کرده و شیعیان آگاه ولی روی‌گردان از امامت را به واقفه تفسیر می‌کنند (کشی، ۱۳۴۸: ۴۶۲، ح ۸۸۲). آن حضرت در نامه‌ای دیگر مصداق آیه «مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۳) را واقفه دانسته‌اند (کشی، ۱۳۴۸: ۴۶۱، ح ۸۸۰).

۳-۳. اعجاز

هفده نامه از ۱۸۸ نگاشته امام رضا علیه‌السلام به گونه‌ای بیان‌کننده اعجاز و علم غیب آن حضرت است. بخشی از این نامه‌ها پیش‌گویی آینده - امور حکومتی (حمیری قمی، ۱۴۱۳ق: ۲۷، ح ۶) و یا شخصی افراد (راوندی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۳۵۸، ح ۱۲) - است. امام در نامه‌ای چهار ماه قبل از آن که کشتار بغداد رخ دهد، این جریان را با یادکرد زمان به ابن‌جهم هشدار دادند. امام رضا علیه‌السلام در نامه‌ای دیگر، مأمون را از رفتن به حمّامی که سبب قتل فضل بن سهل ذوالریاستین شد، برحذر داشته و نوشتند: «فردا نه من به این حمّام می‌روم و نه شایسته است که تو و فضل به آن جا قدم گذاری» (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۴۹۰، ح ۸). فضل این سخن را ناشنیده گرفت و در حمّام به قتل رسید.

گفتنی است، بیشتر نامه‌های اعجازی خطاب به واقفیان یا شیعیانی است که در امامت امام تردید داشته‌اند. پربسامد بودن روایات مرتبط با واقفه، نشان از چالش بزرگی است که از ناحیه ایشان در میان شیعه انجام شده بود.

ابراهیم بن شعیب که واقفی و از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام در عراق بوده است (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۳۳۲، ش ۴۹۴۶؛ ۳۵۳، ش ۵۲۲۲) می‌گوید: در مسجد النبی با فردی آشنا شدم که از موالیان امام رضا علیه‌السلام بود. بدون آن‌که نامم را به وی بگویم، از او خواستم تا نامه مهرشده‌ام را به علی بن موسی برساند. در نامه به ایشان نوشته بودم: «بسم الله الرحمن الرحيم. پدران بزرگوار تو به مطالبی خبر می‌دادند که آن اخبار، دلالت و برهانی بر امامت ایشان بود. دوست دارم که از نام من و نام پدرم و فرزندم خبر دهی.» سپس نامه را مهر کردم و بسته‌شده به غلام علی بن موسی

تحويل دادم. فردای آن روز نامه‌ای را از ایشان مهرشده دریافت کردم. علی بن موسی زیر سؤال من این‌گونه نوشته بودند: «ای ابراهیم! نام پدران تو شعیب و صالح است و نام فرزندان محمد، علی و فلانۀ و فلانۀ است» (کشی، ۱۳۴۸: ۴۷۰، ح ۸۹۶).

صدور این نامه‌ها معمولاً مؤثر واقع می‌شد و فرد به راه راست هدایت می‌شد؛ چنانچه حسن بن علی الوشاء با دریافت چنین نامه‌ای، بخشی از تردیدش رفع شد و پس از مباحثاتی با امام علیه السلام از وقف دست کشید (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۲۲۸، ح ۱ و ۲۲۹، ح ۱). در برخی موارد نیز - همانند ابراهیم بن شعیب - فرد هم‌چنان در حالت شک و تردید وقف باقی ماند (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۳۳۲، ش ۴۹۴۶؛ ۳۵۳، ش ۵۲۲۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۷، ح ۲).

۳-۴. بحث

نامه‌هایی به صورت دوجانبه بین امام علیه السلام و برخی از شیعیان رد و بدل می‌شد. این نامه‌ها که گاه رنگ و بوی سبک مسائل‌نگاری به خود گرفته است، بحث‌هایی را درباره‌ی مواضع مختلف سامان داده است. یکی از مهم‌ترین نامه‌هایی که امام بحث‌های مختلفی را با راوی بیان داشته، نامه‌ای با محوریت «ولایت و امامت» است. این نامه‌نگاری به درخواست راوی نام‌آشنای شیعه، یعنی «احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی» است. وی به امام می‌نویسد: «من یکی از شیعیان شما در کوفه هستم و توفیق اطاعت از شما اهل‌بیت را داشته و مشتاق زیارت شما هستم تا برخی از شبهات را از شما بپرسم. آنچه سبب شده این نامه را بنویسم این است که گروهی بر این باورند که پدر شما یقیناً در دار دنیا بوده و زنده هستند. آنان می‌گویند که سؤالاتی را از شما پرسیده‌اند و پاسخ‌هایی را شما داده‌اید که برخلاف پاسخ پدران بزرگوارتان است و شما برخلاف تقیه سخن گفته‌اید...». به دنبال ارسال این نامه، امام رضا علیه السلام پاسخ کاملی را ارسال فرمودند. امام در نامه خود با استناد به شش آیه قرآن و روایتی از امام باقر علیه السلام اثبات کردند که هدایت در اختیار خداست و اثبات کردند که امام نیز خلاف گفته‌های اجداد گرامی‌شان سخن نگفته‌اند، ولی گمراهی و ضلالت واقعه سبب شده که سخنان بی‌اساسی را بیان دارند.

بزنطی در نامه‌ای دیگر مجدداً درباره‌ی سخنان واقعه درباره‌ی امام کاظم علیه السلام پرسش نمود. امام علیه السلام نیز برای بار دوم پاسخ دادند و این بار به دو روایت امام باقر علیه السلام در نامه استناد کردند. بزنطی نامه سوم را در حالی ارسال می‌دارد که شک و شبهه‌اش تمام شده است. او دیگر می‌پذیرد که امام کاظم علیه السلام از دنیا رفته است؛ از این رو، در این نامه به امام تسلیت می‌گوید و ضمن اقرار و بیان شهادتین به توصیف امام زمانش به بزرگی و... اهتمام می‌ورزد. امام علیه السلام در پاسخ این نامه ابتدا جایگاه امامت، سپس ضرورت معرفت به امام زمان و دست آخر به معرفی یکایک سران

منحرفان واقفه می‌پردازد. امام در این نامه نیز به آیات قرآن، احادیث نبوی و ولوی استناد می‌کنند (حمیری قمی، ۱۴۱۳ق: ۳۴۸، ح ۱۲۶۰).

برخی از مخالفان، ادب نگارش را رعایت نمی‌کردند و با بی‌ادبی و سخنان زشت و نابجا امام را خطاب می‌کردند. یکی از این افراد «حسین بن مهران» است. وی از بزرگان و عالمان برجسته واقفه بود و پیوسته با لحنی که حاکی از نفاق و عدم ایمانش بود، به امام رضا علیه السلام نامه می‌نوشت. ابن مهران در نگاشته‌هایش به امام امر و نهی می‌کرد و در مکاتبه، مراعات مقام امام را نمی‌کرد. از این رو، امام نامه‌ای به او نوشت و به اصحابش دستور داد از آن نسخه برداری کنند، که مبادا ابن مهران بتواند آن را پنهان کند ^۱ (کشی، ۱۳۴۸: ۸۶۱، ح ۱۱۲۱). این نامه نیز در شمار مناظرات کتبی و بحث‌های دوسویه امام قرار دارد.

۴. نمودار مکتوبات کلامی

مجموعه مکتوبات کلامی امام رضا علیه السلام بر اساس آنچه مکاتیب الائمة علیه السلام گردآوری کرده است، ۴۵ نگاشته است. غالب این نگاشته‌ها کوتاه و معمولاً از یک یا دو سطر تجاوز نمی‌کند. تعداد انگشت‌شماری از این مکتوبات افزون بر یک صفحه است. در جدول زیر ضمن معرفی اجمالی این نگاشته‌ها، گونه‌شناسی روش حل معضل - چنانچه در فراز آمد - نیز تنظیم شده است. با نگاهی به جدول درمی‌یابیم که امام علیه السلام بیشتر از روش ارشاد بهره جستند، چه این که در هجده مورد از شیوه ارشاد، هفده مورد از روش اعجاز، شش مورد از شیوه نکوهش و در چهار مورد نیز به بحث‌های کتبی روی آورده‌اند.

	مخاطب	موضوع	روش حل معضل	منبع
۱	هشام مشرقی	توحید/ معنای توحید	ارشاد	تفسیر عیاشی، ۱: ۳۳۰
۲	محمد بن زید	توحید/ نفی جسم و تشبیه	ارشاد	الکافی، ۱: ۱۰۵، ح ۳
۳	یونس بن یهمن	توحید/ جوهریت الله	نکوهش	رجال الکشی: ح ۹۴۹
۴	محمد بن عبید	توحید/ نفی رویت	بحث	الکافی، ۱: ۹۶، ح ۳
۵	فتح بن یزید جرجانی	توحید/ نفی تشبیه	بحث و ارشاد	التوحید: ۵۶، ح ۱۴
۶	احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی	توحید/ مشیت و اراده	ارشاد	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small> ، ۱: ۱۴۴، ح ۴۹
۷	حمدان بن سلیمان	توحید/ مخلوق بودن افعال	ارشاد	التوحید: ۴۱۶، ح ۱۶
۸	طاهر بن حاتم	توحید/ شناخت خدا	ارشاد	الکافی، ۱: ۸۶، ح ۲
۹	حسن بن عباس معروفی	امامت/ مفهوم‌شناسی امام	ارشاد	الکافی، ۱: ۱۷۶، ح ۲
۱۰	عبد الله بن چندب	امامت/ صفات امام	ارشاد	تفسیر فرات: ۲۸۳، ح ۳۸۴

۱۱	احمد بن محمد بن ابی نصر	امامت / صفات امام	ارشاد	تفسیر عیاشی، ۲: ۲۶۱
۱۲	سلیمان بن جعفر	امامت / صفات امام	ارشاد	بصائر الدرجات: ۱۸۵
۱۳	محمد بن فضیل	امامت / صفات امام	ارشاد	الخرائج، ۲: ۶۶۳
۱۴	علمای نیشابور	امامت / جایگاه امام	ارشاد	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small> : ۲، ۱۳۵، ح ۴
۱۵	ابراهیم بن ابی سماک	امامت / غسل امام	ارشاد	مختصر البصائر: ۱۳
۱۶	احمد بن عمر حلال	امامت / علامات امام	ارشاد	مختصر البصائر: ۸
۱۷	حسین بن قیاما	امامت / نص بر امامت امام جواد <small>علیه السلام</small>	نکوهش	الکافی، ۱: ۳۲۰، ح ۴
۱۸	عبدالله بن جنذب	امامت / ولایت و وجوب اطاعت	نکوهش	تفسیر عیاشی، ۱: ۲۶۰
۱۹	احمد بن محمد بن ابی نصر	امامت / ولایت	بحث	قرب الاسناد: ۳۴۸
۲۰	حسن بن محبوب	امامت / صفات امام (تأویل آیه)	ارشاد	تفسیر عیاشی، ۱: ۲۴۰
۲۱	شتریان اصفهانی امام	امامت / حب آل محمد	ارشاد	الدعوات: ۲۸، ح ۵۲
۲۲	ابراهیم بن شعیب	امامت / علم غیب	اعجاز	رجال الکشی: ح ۸۹۶
۲۳	ابوجعفر <small>علیه السلام</small>	امامت / علم غیب	اعجاز	رجال الکشی: ح ۱۰۹۳
۲۴	احمد بن محمد بن ابی نصر	امامت / علم غیب	اعجاز	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small> : ۲، ۲۱۲، ح ۱۸
۲۵	محمد مصری	امامت / علم غیب	اعجاز	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small> : ۲، ۲۲۲، ح ۴۱
۲۶	مأمون	امامت / علم غیب	اعجاز	الکافی، ۱: ۴۹۰، ح ۸
۲۷	علی بن حسین بن یحیی	امامت / علم غیب	اعجاز	الخرائج، ۱: ۳۵۸، ح ۱۲
۲۸	ابن الجهم	امامت / علم غیب	اعجاز	قرب الاسناد: ۳۹۳
۲۹	احمد بن محمد بن ابی نصر	امامت / علم غیب	اعجاز	الغیبه طوسی: ۷۱، ح ۷۶
۳۰	حسن بن علی وشاء	امامت / علم غیب	اعجاز	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small> : ۲، ۲۲۹، ح ۱
۳۱	محمد بن سنان	امامت / علم غیب	اعجاز	رجال الکشی: ح ۱۰۹۲
۳۲	احمد بن محمد بن ابی نصر	امامت / علم غیب	اعجاز	الخرائج، ۲: ۶۶۲، ح ۵
۳۳	ابوجعفر <small>علیه السلام</small>	امامت / علم غیب	اعجاز	الخرائج، ۱: ۳۷۲، ح ۱
۳۴	احمد بن عمر حلال	امامت / علم غیب	اعجاز	الخرائج، ۲: ۶۵۱، ح ۳
۳۵	حکیمه، خواهر امام رضا <small>علیه السلام</small>	امامت / علم غیب	اعجاز	دلائل الامامه: ۳۸۳
۳۶	موسی بن مهران	امامت / علم غیب	اعجاز	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small> : ۲، ۲۲۱، ح ۲۸
۳۷	حسن بن علی وشاء	امامت / علم غیب	اعجاز	الخرائج، ۱: ۳۶۶، ح ۲۳
۳۸	یحیی بن ابی عمران و اصحابش	امامت / علم غیب	اعجاز	رجال الکشی: ح ۱۰۴۳
۳۹	یحیی بن مبارک	مذاهب / واقفه	نکوهش	رجال الکشی: ح ۷۶۲
۴۰	علی بن عبدالله	مذاهب / واقفه	نکوهش	رجال الکشی: ح ۸۸۰
۴۱	عثمان بن عیسی رواسی	مذاهب / واقفه	ارشاد	عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small> : ۱، ۱۱۳، ح ۳
۴۲	حمزه زیات	مذاهب / واقفه	نکوهش / بحث	رجال الکشی: ح ۸۸۲
۴۳	حسین بن مهران	مذاهب / واقفه	بحث	رجال الکشی: ح ۱۱۲۱
۴۴	مردی از واقفه	مذاهب / واقفه	ارشاد	بحار الأنوار، ۴۹: ۷۱، ح ۹۵
۴۵	مرد ناشناس	مذاهب / واقفه	ارشاد	رجال الکشی: ح ۸۰۱

نتیجه

بنا بر آنچه گذشت، در نیمه دوم سده دوم هجری نگارش‌های گوناگون و مکتوبات روایی در جامعه اسلامی فزونی یافته بود، به گونه‌ای که عالمان از این شیوه برای نشر معارف و پاسخ‌گویی به پرسش‌کنندگان، سود می‌جستند. امام رضا علیه السلام نیز به نیکی از ابزار نگارش برای نشر معارف بهره می‌بردند. امروزه نزدیک به ۱۹۰ نگاشته از آن حضرت باقی مانده است که یک‌چهارم آن‌ها در موضوعات کلامی است. اگرچه شمار بیشترین نگارش‌ها ابتدا در موضوعات فقهی و سپس در موضوعات اعتقادی است، همین کثرت نسبی نشان‌گر وجود جدی شبهات کلامی در کل دوره امامت امام رضا علیه السلام است. نخست شیوع باورهای نادرست گروه‌های کلامی منحرف عامه در مسئله توحید است که در جامعه شیعه نیز رخ برنموده بود؛ به‌ویژه آن‌که در میان اصحاب امامیه نیز برخی به بخشی از این باورها بی‌میل نبودند. این شبهات بیشتر در همان اختلافات مشهور در مسئله تجسیم، رؤیت و تشبیه بود.

سخنان امام رضا علیه السلام که برای نخستین بار به بیان بدون تقيه و عمومی مسئله امامت می‌پرداخت نیز سبب شد پرسش‌هایی در حاکمیت، علمای عامه و خاصه را به دنبال داشته باشد. سؤال از عصمت، علامات امام، تفاوت مفهومی رسول و امام و... از این دست سؤالات بود که از ناحیه افراد متعدد پرسیده می‌شد. از سوی دیگر، فتنه واقفه و ایجاد شبهات متعدد از عدم وفات امام کاظم علیه السلام و غیبت ایشان گرفته تا نداشتن فرزند امام رضا علیه السلام از جمله شبهاتی بود که در هم‌بستگی و یک‌پارچگی شیعه امامیه ایجاد خلل کرد. کثرت شبهات واقفه نیز سبب شد امام در طول بیست سال امامت خویش همواره پاسخ‌گوی شبهات واقفه باشند.

امام رضا علیه السلام با شیوه‌های شفاهی و کتبی به پاسخ‌گویی شبهات اهتمام می‌ورزیدند. معمول پاسخ‌های حضرت به شیوه «ارشاد و اقتناع» مخاطب بود. در پاره‌ای دیگر از پاسخ‌ها امام علیه السلام با استفاده از «علم غیب» خویش به شیوه‌ای «عجاز‌گونه» سعی در تفهیم مخاطب داشتند. مناظره در شیوه شفاهی بسیار کارآمد بود و امام از این شیوه بسیار بهره می‌بردند. این‌گونه «مباحثات» نیز در نامه‌ها نیز تا حدودی صورت گرفته است. در موارد اندکی نیز امام با «هشدار دادن، نکوهش و انذار» به هدایت جامعه می‌پرداختند.

منابع

۱. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران، منشورات جهان.
۲. _____ (۱۳۹۸ق)، *التوحید، تحقیق: سیدهاشم حسینی تهرانی*، قم،

جامعه مدرسین.

۳. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، (۳۷۶ق)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۶)، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۵. _____ (۱۴۱۱ق)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، قم، دار الذخائر.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۷. احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶ق)، *مکاتیب الأئمة علیهم السلام*، قم، دار الحدیث.
۸. إربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح، (۱۴۰۵ق)، *كشف الغمّة فی معرفة الأئمّة*، بیروت، دار الأضواء، چاپ دوم.
۹. بخاری، ابو نصر سهل بن عبد الله، (۱۳۸۱ق)، *سر السلسلة العلویة*، نجف، مطبعة الحیدریه.
۱۰. حلّی، حسن بن سلیمان بن محمد، (۱۴۲۱ق)، *مختصر بصائر الدرجات*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۱. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳)، *شرح أصول الکافی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۳. صفار قمی، محمد بن حسن (معروف به ابن فروخ)، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۶۵)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: سیدحسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۵. _____ (۱۳۸۱ق)، *رجال الطوسی*، نجف، حیدریه.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول.
۱۷. عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶ق)، *مسند الإمام الرضا علیه السلام*، مشهد، مرکز البحوث لآستان القدس الرضوی.
۱۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۷ق)، *خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق: جواد القیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهه.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمیه.
۲۰. قطب الدین راوندی، ابوالحسین سعید بن هبة الله، (۱۴۰۷ق)، *الدعوات*، قم، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام.
۲۱. _____ (۱۴۰۹ق)، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام.
۲۲. کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸)، *رجال الکشی*، مشهد، دانشگاه مشهد.
۲۳. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفّاری، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۴. کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، *تفسیر الفرات الکوفی*، تحقیق: محمد کاظم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. مازندرانی، مولی محمد صالح، (۱۴۲۱ق)، *شرح أصول الکافی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۳۶۳)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۷. _____ (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.